**مستندسازی و گونه شناسی احادیث باب" الدعاء للعلل و الامراض" کتاب الکافی**

چکیده

هدف اصلی این نوشتار, مستندسازی و گونه شناسی احادیث باب "الدعاء للعلل و الامراض" از کتاب *الکافی* است. بنا به این نوشتار, انسان همان طورکه می تواند از اسباب مادی برای درمان بهره گیرد، می تواند از اسباب معنوی نیز بهره مند شود, خداوند یکی از راه های درمان و شفاء را در دعا قرار داده است.

در این مقاله ابتدا پس از تبیین عنوان باب, احادیث باب مورد بررسی قرار گرفتند و پس از ترجمه ی هر حدیث و مطالعه ی شرح حدیث و ترجمه ی آن, یک یا چند واژه ی کلیدی مرتبط با شرح انتخاب گردید سپس مستندات قرآنی هر حدیث, اقتباس گردید و پس از تبیین رابطه ی بین آن مستندات و حدیث مربوطه با استفاده از منابع و کتب تفسیری مختلف, به گونه شناسی هر حدیث پرداخته شد.

از احادیث این باب چنین حاصل شد که هر 19 حدیث این باب دارای مستندات قرآنی هستند و همچنین احادیث این باب دارای گونه های مختلف تفسیری می باشند.

**کلیدواژه** : مستندسازی, گونه شناسی روایات تفسیری, دعاء, علل و الامراض, کتاب الکافی.

**مقدمه**

قرآن کتاب هدایت بشر, راهنمای سلوک انسانیت, شفای امراض قلبی, سازنده ی انسان و وسیله ی قرب الهی است.[[1]](#footnote-2) قرآن متن فرمان خدا و اساس دین است و خطوط آن اصول برنامه ی کلی اسلام را تبیین می کند و کمتر به فروع پرداخته شده است. سنت و راه و روش پیامبر و امامان معصوم اجرای احکام بوده است. در اصل باید گفت آنها حقیقت قرآن هستند و حجت خدا بر روی زمین برای آنهایی که می خواهند مسلِم واقعی باشند, همین چهارده معصوم هستند. در واقع این عزیزان قرآن مجسم هستند.[[2]](#footnote-3)

کتاب"*کافی"* به [عربی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D8%A8%D8%A7%D9%86_%D8%B9%D8%B1%D8%A8%DB%8C) ( *الكافي*) یکی از مهم‌ترین و معتبرترین کتاب‌های حدیثی [شیعه](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%DB%8C%D8%B9%D9%87) می باشد.[[3]](#footnote-4) موضوع این کتاب [حدیث](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AB) است که در سه بخش می‌باشد:

"اصول کافی" شامل روایات [اعتقادی](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%B9%D9%82%D8%A7%DB%8C%D8%AF&action=edit&redlink=1&preload=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88%3A%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2F%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%A8%D9%86%D8%AF%DB%8C&editintro=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88%3A%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2F%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%D9%86%D9%88%D8%AA%DB%8C%D8%B3&summary=%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%2B%DB%8C%DA%A9%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2B%D9%86%D9%88%2B%D8%A7%D8%B2%2B%D8%B7%D8%B1%DB%8C%D9%82%2B%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%B1&nosummary=&prefix=&minor=&create=%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%AA%2B%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2B%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF)," فروع کافی" حاوی روایات [فقهی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%81%D9%82%D9%87), "روضه ی کافی" شامل احادیث متفرقه.[[4]](#footnote-5)

بخش "اصول کافی" شامل احادیث اعتقادی می‌شود و شامل ۸ کتاب است. کتاب الدعاء, یکی از کتاب های اصول کافی است که دارای 60 باب می باشد. باب "الدعاء للعلل و الامراض", باب 56 ام از کتاب الدعای الکافی است. به عقیده ی نگارنده,کتاب" الدعاء" در بخش اصول کافی آمده است چون اعتقاد به رحمانیت و رحیمیت خداوند جزء ایمان مسلمانان به توحید و اصول دین اسلام است. دعا و مدد خواستن از خداوند و پیرو آن, ایمان به اجابت خدای رحمن و رحیم, اعتقاد به اصول و اساس دین است.

هدف از نگارش این مقاله, مستند سازی و گونه شناسی این باب می باشد. آثاری که محتوای نزدیک و مرتبط با موضوع مقاله دارند, می توان به کتاب "دعا از منظر حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای"[[5]](#footnote-6) و مقاله ی " دعا و ذکر در درمان و پيشگيري"[[6]](#footnote-7)اشاره کرد. ولی از آنجاییکه نگارنده اطلاع حاصل نمود تاکنون تحقیقی در ارتباط با مستندسازی و گونه شناسی این باب با توجه به آیات قرآن مجید صورت نگرفته است.

**1\_مفاهیم**

1. **1- روایت تفسیری**

حدیث تفسیری عبارت است از قول یا فعل یا تقریر معصوم یا گزاره ای از امور و شؤون مربوط به معصوم که در پرتو آن جهتی از جهات معنایی قرآن مفهوم گردد.[[7]](#footnote-8)

**1-2- مستندسازی**

امام صادق فرمود: "هر موضوعى بايد به قرآن و سنت ارجاع شود و هر حديثى كه موافق قرآن نباشد دروغيست خوش نما."[[8]](#footnote-9)

بر اين اساس، رواياتى كه موافق كتاب خدا باشند، حق هستند و آنچه مخالف آن ها باشد، باطل است. بنابراین مستندسازی قرآنی احادیث به همین هدف انجام می شود.

**1-3- گونه شناسی روایات تفسیری**

می توان گونه شناسی را به "طبقه بندی روش مند روایات بر اساس معیاری منطقی که از جامعیت و مانعیت نسبی برخوردار بوده و قابل توجیه و دفاع علمی باشد" تعریف کرد.[[9]](#footnote-10)

گونه‌هاي زير از انواع احاديث تفسيري به شمار مي‌رود:   
ـ حديث مفسر؛ يعني حديثي که از وجهي از وجوه آيات قرآن پرده بر مي‌دارد.  
ـ احاديثي که با شؤون نزول قرآن در ارتباط است؛ همچون سبب نزول، ترتيب نزول، زمان، مکان و کيفيت نزول.   
ـ احاديثي که بازگوکننده فضايل و خواص آيات و سوره‌هاي قرآن کريم است.

مفسران, روایات را بر اساس کاربرد کلام معصوم برای میزان و قلمرو فهم آن به دو کلان گونه ی "شناختی" و "تبیینی"دسته بندی می کنند. [[10]](#footnote-11)

* احادیث قرآن شناسی با متن آیات مواجهه مستقیم معناشناسی و تبیینی ندارند.
* شاخص روایت تبیینی از روایات قرآن شناسی این است که عمل تبیین آیه یا سوره در آن رخ داده باشد.

روایات تبیین قرآن به سبب تفاوت در نوع تبیین آنها از مفاد آیات قرآنی به دو گونه ی متناسب و مستفاد تقسیم می شوند.

**الف)** تناسب روایات با آیه از نوع تناسب دال و مدلول است که آن را "شرط نسبت" می نامیم. گونه های اصلی در مدل "تبیینی- متناسب", معناشناسی, تفسیری, تأویل و جری و تطبیق هستند.

**ب)** در نوع مستفاد, افزون بر شرط نسبت, مقاصد قرآنی در پاسخ گویی به مسأله ای استخراج می شود.آموزه و نظریه ی قرآنی در حل یک معضل نوآمد حیات دینی از بطن یا مقاصد قرآن استنباط می شود.[[11]](#footnote-12)

**2- تبیین عنوان باب "الدعاء للعلل و الامراض"**

**1- دعا**

دعا از ریشه ی "دعو" است. دعاء به معنى خواندن و حاجت خواستن و استمداد است .[[12]](#footnote-13)

وَ قالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِينَ[[13]](#footnote-14) پروردگار شما گفته است: «مرا بخوانيد تا (دعاى) شما را بپذيرم! كسانى كه از عبادت من تكبّر مى‏ورزند به زودى با ذلّت وارد دوزخ مى‏شوند!»

راغب در *مفردات*، براي واژه‏ي دعا، پنج معنا بيان کرده است. [[14]](#footnote-15)

علامه طباطبايي در تبيين معناي دعا مي گويد:

"معناي دعا عبارت است از مجسم ساختن توجه قلبي و درخواست باطني به صورت درخواست ظاهري که افراد بشر در بين خود دارند؛ يعني در برابر پروردگار خويش، آن حالتي را بگيرند که يک انسان فقير در برابر فرد توانگري، خود را پست احساس مي کند و يک حالت تذلل به خود مي گيرد؛ يعني دست خود را به سوي او دراز مي کند، گردن را کج نموده و با حالت ذلت و تضرع حاجت خود را سؤال مي نمايد."[[15]](#footnote-16)

1-1- دعا از دیدگاه معصومین :

روايات متعددى از معصومین در اهميت دعا نقل شده که دو روایت در اینجا آورده می شود:

1- از پيغمبر گرامى  آمده است:

«*الدعاء هو العبادة* : دعا عبادت است» [[16]](#footnote-17).

2- در حدیثی از امام باقر آمده است كه:

«چيزى نزد خدا افضل از اين نيست كه از او تقاضا كنند و از آنچه نزد او است بخواهند، و هيچكس مبغوض‏تر و منفورتر نزد خداوند از كسانى كه از عبادت او تكبر مى‏ورزند و از مواهب او تقاضا نمى‏كنند نيست»[[17]](#footnote-18).

1-2- شرایط استجابت دعا وموانع استجابت دعا

سزاوار است كه بنده در هنگام دعا با تمام وجود و دلى فروتن و بدنى خاشع و نيّتى پاك و ظاهر متذلّل و يقينى استوار نسبت به اجابت آن، به درگاه خدا روى بياورد.

امير المؤمنين فرمود:

«دعا چهار شرط دارد: حضور قلب، خلوص باطن، معرفت نسبت به خدا، و انصاف در آنچه مى‏خواهد»[[18]](#footnote-19)

همچنین فرمودند : اگر مردمى كه نعمتها از آنها گرفته شده و بدبختيها آنها را در خود فرو گرفته با خلوص نيت و از ته دل خدا را بخوانند و دل به حق بدهند، هر نعمتى كه از آنان سلب گشته، بازمى‏گردد، و همه امورشان به صلاح مى‏گرايد.[[19]](#footnote-20) شخصى به حضور امام صادق رسيد و پرسيد: چرا ما دعا مى‏كنيم، ولى مستجاب نمى‏شود؟ فرمود: چون شما كسى را مى‏خوانيد كه از او پروا نداريد و از فرمانش سرمى‏پيچيد با اين وصف چطور دعاى شما را بپذيرد؟[[20]](#footnote-21)

علامه مجلسی در شرح حدیثی در باب "تاخیر استجابت دعا"ی کتاب *الکافی*, موانع استجابت دعا را آورده است که از جمله آنها, کسب حلال و عدم قطع صله ی رحم و دشمنی نکردن با مردم است.[[21]](#footnote-22)

گاهى صلاح بنده نيست كه به اندازه خواستش به او داده شود، در حدیثی آمده كه هر گاه خداوند صداى دعاى بنده‏اى را دوست بدارد، دستور مى‏دهد كه جبرئيل اداى حاجتش را تأخير بيندازد.[[22]](#footnote-23)

**2- علل و الامراض:**

علل از ریشه ی "علّ" و به معنی ناخوشی و بیماری است.[[23]](#footnote-24)

1-2 - عوامل بروز بیماری

بيماري در اسلام به عنوان زندان بدن و يكي از سخت‌ترين بلاها معرفي شده است؛ اما اين بلاء, عوامل متعددي دارد. برخي از آنها عبارت‌اند از:مصلحت الهي, رحمت الهي,كفاره گناهان, اجر و پاداش, تأديب, آزمايش, ماية اندرز, تقرّب به پروردگار.[[24]](#footnote-25)

گاهی عوامل بیماری خود اشخاص هستنداز جمله: **عوامل بيروني, اندوه و غم, پرهيز نكردن.[[25]](#footnote-26)**

2-2- تاثیر دعا برجسم و روان

خیلی از انسانها هنگامي که با يک آسيب جدي يا بيماري سخت مواجه مي شوند، دست به دعا بر داشته و از تواناترين طبيب هستي، شفا مي جويند[[26]](#footnote-27). خداوند یکی از راه های درمان و شفا را در دعا قرار داده است و انسانها می توانند از آن بهره گیرند.

**3- مستندسازی احادیث باب "الدعاء للعلل و الامراض"**

این باب در جلد دوم صفحه ی 564 کتاب کافی قرار دارد و دارای 19 حدیث است. در کتاب *مرآة العقول* احادیث این باب از نظر اعتبار چنین آمده اند:

حدیث اول‏: مرسل, دوم: صحيح. سوم‏: حسن, چهارم: مجهول. پنجم‏: حسن یا موثق. ششم‏: مرسل. هفتم‏: مختلف فيه. هشتم‏: مرسل. نهم‏: مجهول. دهم: مجهول. یازدهم: مجهول. دوازدهم: صحيح. سیزدهم: موثق. چهاردهم: موثق. پانزدهم: مجهول. شانزدهم: مرسل. هفدهم: ضعيف. هجدهم: مجهول و نوزدهم: مجهول.[[27]](#footnote-28)

نگارنده ابتدا احادیث را از نظر مضامین دسته بندی نموده و سپس به مستند سازی و گونه شناسی هر حدیث می پردازد:

**1- تنها خداست که ضررو زیان را دور می کند**

**1-1- جز خداوند کسی نمى‏تواند ضرر و زيان را دور كند**

**حدیث شماره 1**- عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كَانَ يَقُولُ عِنْدَ الْعِلَّةِ- اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَيَّرْتَ أَقْوَاماً فَقُلْتَ‏ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ‏ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ‏ فَلا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَ لا تَحْوِيلًا[[28]](#footnote-29) فَيَا مَنْ لَا يَمْلِكُ كَشْفَ ضُرِّي وَ لَا تَحْوِيلَهُ عَنِّي أَحَدٌ غَيْرُهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اكْشِفْ ضُرِّي وَ حَوِّلْهُ إِلَى مَنْ يَدْعُو مَعَكَ إِلَهاً آخَرَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ.

در قرآن مجيد ضر بفتح و ضم هر دو آمده است.[[29]](#footnote-30) ضرّ به فتح در هر ضرر شايع است و با ضمّ مخصوص به ضرر نفس است مثل مرض و لاغرى‏.[[30]](#footnote-31)

**مستند سازی**

آیه ای که در متن حدیث به کار رفته است, مستند این حدیث می شود:

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ‏ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ‏ فَلا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَ لا تَحْوِيلًا[[31]](#footnote-32)بگو: «كسانى را كه غير از خدا مى‏پنداريد، بخوانيد! آنها نه مى‏توانند مشكلى را از شما برطرف سازند، و نه تغييرى در آن ايجاد كنند.»

همچنین آیه ی 17 سوره ی انعام.

در تفسیر *جوامع الجامع* ذیل آیه ی 17 سوره ی انعام, آمده است:

"اگر خداوند به تو زيانى برساند، از قبيل بيمارى، يا تنگدستى و يا ناراحتى، هيچ كس جز خدا قادر بر كشف آن نيست.اگر خوبى را به تو برساند، از قبيل تندرستى يا ثروتمندى، خداوند بر هر چيزى تواناست، مى‏تواند آن حالت را ادامه دهد و مى‏تواند آن را برطرف سازد"[[32]](#footnote-33).

خيرات و شرور منحصر به اطعام و عذاب قيامت نيستند، بلكه خيرات و شرور ديگرى نيز هست كه خداوند آدمى را به آن متنعم و به اين معذب مى‏كند، نه كسى مى‏تواند جلوى آن را بگيرد و نه اين را دفع كند.[[33]](#footnote-34)

**گونه شناسی**

آیه ناظر به قومی است که بت پرست بودند و برای رفع مشکلات از آنها کمک می گرفتند و روایت این بخش آیه را بیشتر توضیح داده است. همچنین بنا برآیه ی 17 سوره ی انعام, خداوند بر هر چيزى تواناست، مى‏تواند آن حالت را ادامه دهد و مى‏تواند آن را برطرف سازد. پس می توان آن را از نوع تفسیری دانست.

**1-2- تنها خداست که می تواند ناراحتی و شر دنیا و آخرت را از انسان دور کند**

**حدیث 4-** عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا الَّذِي قَدْ ظَهَرَ بِوَجْهِي يَزْعُمُ النَّاسُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَبْتَلِ بِهِ عَبْداً لَهُ فِيهِ حَاجَةٌ فَقَالَ لِي لَا لَقَدْ كَانَ مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ مُكَنَّعَ الْأَصَابِعِ فَكَانَ يَقُولُ هَكَذَا وَ يَمُدُّ يَدَهُ وَ يَقُولُ يا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ[[34]](#footnote-35)‏ قَالَ ثُمَّ قَالَ إِذَا كَانَ الثُّلُثُ الْأَخِيرُ مِنَ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِهِ فَتَوَضَّأْ وَ قُمْ إِلَى صَلَاتِكَ الَّتِي تُصَلِّيهَا فَإِذَا كُنْتَ فِي السَّجْدَةِ الْأَخِيرَةِ مِنَ الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ فَقُلْ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ وَ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ أَذْهِبْ عَنِّي هَذَا الْوَجَعَ وَ سَمِّهِ فَإِنَّهُ قَدْ غَاظَنِي وَ أَحْزَنَنِي وَ أَلِحَّ فِي الدُّعَاءِ قَالَ فَمَا وَصَلْتُ إِلَى الْكُوفَةِ حَتَّى أَذْهَبَ اللَّهُ بِهِ عَنِّي كُلَّهُ.

**مستندسازی**

برای انتخاب مستند این حدیث, کلیدواژه ی"ذهب" [[35]](#footnote-36) انتخاب می شود.

قالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنا لَغَفُورٌ شَكُورٌ [[36]](#footnote-37)آنها مى‏گويند: «حمد (و ستايش) براى خداوندى است كه اندوه را از ما برطرف ساخت پروردگار ما آمرزنده و سپاسگزار است! »

خداوند با وصف غفوريتش اندوه سنگين لغزشها و گناهان را بر طرف ساخته، و با وصف شكوريتش مواهب جاودانى به ما ارزانى داشته. گناهان بسيار ما را غفرانش پوشانده، و اعمال اندك و ناچيز ما را با شكوريتش پاداش فراوان بخشيده.[[37]](#footnote-38)

در *تفسير نمونه* ذیل آیه ی فوق آمده است:

« بهشتیان هنگامی که وارد بهشت می شود می گویند:"ستايش, براى آن خدايى است كه با فضل خود ما را در اين سراى اقامت جاويدان جاى داد كه نه در آنجا رنج و تعبى به ما مى‏رسد و نه خستگى و واماندگى!» [[38]](#footnote-39).

بنابراین تنها خداوند است که می تواند شرّ دنیا و شرّ آخرت را از انسان دور کند.

**گونه شناسی**

با توجه به عبارت "... وَ أَذْهِبْ عَنِّي هَذَا الْوَجَعَ ..." که در متن حدیث آمده, حدیث, شفاء دهنده بودن خداوند را با این مضمون تفسیر و به مخاطب گوشزد می کند, و اینکه این خداوند است که می تواند شرّ دنیا و شرّ آخرت را از انسان دور کند و ناراحتی انسان را از بین ببرد. همچنین طریقه ی دعا کردن و زمان و حال دعا در آن آمده است. پس می توان این حدیث را از نوع "تفسیری – تعلیمی[[39]](#footnote-40) " دانست.

**2- خداوند دعای درمانده را اجابت می کند**

**حدیث 2-** عَنْ دَاوُدَ بْنِ زُرْبِيٍّ قَالَ: مَرِضْتُ بِالْمَدِينَةِ مَرَضاً شَدِيداً فَبَلَغَ ذَلِكَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ  فَكَتَبَ إِلَيَّ قَدْ بَلَغَنِي عِلَّتُكَ فَاشْتَرِ صَاعاً مِنْ بُرٍّ ثُمَّ اسْتَلْقِ عَلَى قَفَاكَ‏ وَ انْثُرْهُ عَلَى صَدْرِكَ كَيْفَمَا انْتَثَرَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ- كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ مَكَّنْتَ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلَى خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي ثُمَّ اسْتَوِ جَالِساً وَ اجْمَعِ الْبُرَّ مِنْ حَوْلِكَ وَ قُلْ مِثْلَ ذَلِكَ وَ اقْسِمْهُ مُدّاً مُدّاً لِكُلِّ مِسْكِينٍ وَ قُلْ مِثْلَ ذَلِكَ قَالَ دَاوُدُ فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَكَأَنَّمَا نَشِطْتُ مِنْ عِقَالٍ وَ قَدْ فَعَلَهُ غَيْرُ وَاحِدٍ فَانْتَفَعَ بِهِ.

**مستندسازی**

واژه ی کلیدی حدیث , واژه ی "مضطر[[40]](#footnote-41)" می باشد. از اینرو مستند این حدیث, آیه ی زیر است**:**

أَمَّنْ يُجيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفاءَ الْأَرْضِ أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ قَليلاً ما تَذَكَّرُونَ[[41]](#footnote-42) يا كسى كه دعاى مضطرّ را اجابت مى‏كند و گرفتارى را برطرف مى‏سازد، و شما را خلفاى زمين قرار مى‏دهد آيا معبودى با خداست؟! كمتر متذكّر مى‏شويد!

اجابت دعاى درمانده اين است كه خواستش را عمل كنند و اين براى كسى ممكن است كه قدرت بر اجابت داشته باشد. همه افراد گرفتارى هستند كه به خداوند بزرگ و مهربان پناه مى‏برند.[[42]](#footnote-43) مراد از" خلافت"، خلافت زمينى است كه خدا آن را براى انسانها قرار داده، تا با آن خلافت در زمين به هر طورى كه خواستند تصرف كنند. گاهى عوامل سوء او را از اين تصرف باز مى‏دارد، در نتيجه ی آن سوء كه وى را مضطر نموده, از خدا كشف آن سوء را مى‏خواهد, پس اگر خداى تعالى كشف سوء از او بكند، در حقيقت خلافتى را كه به او داده بود تكميل كرده است.[[43]](#footnote-44)

**گونه شناسی**

عبارت "إِذَا سَأَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ- كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ مَكَّنْتَ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ" در واقع شرح آیه ی نام برده می باشد واینکه خداوند دعای درماندگان را اجابت می کند. پس این حدیث از نوع "تفسیری- تعلیمی" است.

**3- درمان و شفاء تنها از خداست**

**حدیث 3-** عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: اشْتَكَى بَعْضُ وُلْدِهِ فَقَالَ يَا بُنَيَّ قُلِ- اللَّهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ وَ دَاوِنِي بِدَوَائِكَ وَ عَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ.

احادیث شماره ی 4 و 15 مضمونی مشابه حدیث فوق دارند, از این رو با هم بررسی می شوند.

**مستندسازی**

وَ إِذا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفينِ[[44]](#footnote-45) و هنگامى كه بيمار شوم مرا شفا مى‏دهد.

هر چه و هر كس در آسمانها و زمين است بنده خدا و مطيع او در عبوديت است.[[45]](#footnote-46) «شفاء[[46]](#footnote-47)» از نظر معنا همانند دارو است كه براى برطرف ساختن بيمارى بكار ميرود.[[47]](#footnote-48) «إِذا مَرِضْتُ» در آیه ی فوق, يعنى وقتى من مريض شوم و نفرمود: "إذا أمرضنى" يعنى وقتى خداوند مرا مريض كند، اين بدين سبب است كه علّت بيشتر بيماري ها افراط و تفريط خود انسان است در خوردنيها و نوشيدنيها ..[[48]](#footnote-49)

جمله ی "و چون مريض شوم" مقدمه است براى ذكر شفاء، جهت مريض شدن را به خودش نسبت داد، چون اگر به خدا نسبت مى‏داد با منظورش كه ذكر نعمتها بوده نمى‏ساخت، چون مريض كردن سلب نعمت است نه نعمت.[[49]](#footnote-50)

**گونه شناسی**

هر چه و هر كس در آسمانها و زمين است بنده خدا و مطيع او در عبوديت است و شفای انسان فقط در دست خداوند است.عبارت" *لَا يُغَادِرُ سُقْما "*یعنی شفاءای که انسان را ترک نکند و بیماری به جایش نیاید[[50]](#footnote-51). در واقع این احادیث, شفاء را تبیین می کنند. پس احادیث شماره 3 و 14را از نوع تفسیری و حدیث شماره ی 15 از نوع" تفسیری-تعلیمی" است.

**4- ابتلاء به دست خداوند است**

**4-1- خداوند با عافیت و بیماری انسان را می آزماید**

**حدیث 5-** عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَر قَالَ: إِذَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَرَّ بِهِ الْبَلَاءُ فَقُلِ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَ فَضَّلَنِي عَلَيْكَ وَ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ وَ لَا تُسْمِعْهُ.

**مستندسازی**

واژه ی "ابتلاء" , به معنی امتحان کردن شخص از جانب خداوند به نیکی یا به شر می باشد.[[51]](#footnote-52) آیه ی مستند این حدیث:

وَ هُوَ الَّذي جَعَلَكُمْ خَلائِفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ في‏ ما آتاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَريعُ الْعِقابِ وَ إِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحيم[[52]](#footnote-53) و او كسى است كه شما را جانشينان خود در زمين ساخت، و درجات بعضى از شما را بالاتر از بعضى ديگر قرار داد، تا شما را به وسيله آنچه در اختيارتان قرار داده بيازمايد به يقين پروردگار تو سريع العقاب و آمرزنده مهربان است.

توسعه در رزق و مقدّر ساختن آن «ابتلاء» ناميده شده چون هر يك از آن دو براى آزمودن بنده است كه آيا شكرگزار است يا در هنگام توسعه رزق ناسپاس، صابر است يا در برابر مقدّرات بى‏تابى مى‏كند‏.[[53]](#footnote-54) رزق عطائى است كه از آن منتفع ميشوند خواه طعام باشد يا علم و يا غير آن.[[54]](#footnote-55)بنابراین نعمت سلامتی و آسایش و آرامش نیز نوعی رزق به شمار می رود.

اين آزمايشها به مقتضاى حكمت و لطف و مصلحت پروردگار صورت مي گيرد و او پاداشهاى سنگينى كه موجب خشنودى آنان ميشود عنايت مى‏كند.[[55]](#footnote-56)

خداوند درجه بعضى را از لحاظ صورت و عقل و عمر و مال و نيرو بر درجه ديگران بالا برده است. حكمت تبعيض ميان افراد بشر، اين است كه افرادى كه از چنين نعمتهايى بر خوردار هستند، الطاف خدا را نسبت به خويش در نظر مى‏گيرند و وظائف خود را انجام مى‏دهند و از زشتى‏ها اجتناب مى‏كنند. اين تفاوت را از اين لحاظ بر قرار كرد تا انسان را بيازمايد و خصلت درونى او در اعمال و رفتارش هويدا گردد.[[56]](#footnote-57)

**گونه شناسی**

در این حدیث, عبارت"الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ" با آیات مستندش, بیان می دارند که ابتلاء و توسعه ی رزق و نعمت عافیت از آزمایشاتی است که تنها از جانب خداست, پس شفا هم به دست اوست و کسی غیر از او نمی تواند به انسان برتری بخشد ,و این برتری می تواند از لحاظ صورت و عقل و عمر و مال و نيرو و... باشد و این برتری نیز آزمایش الهی است. بنابراین این حدیث از نوع تفسیری می باشد.

**4-2- انسان در رنج و سختی آزمایش الهی باید صبور باشد**

**حدیث 16-** عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مَرِضَ عَلِيٌّ  فَأَتَاهُ رَسُولُ اللَّهِ  فَقَالَ لَهُ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عَافِيَتِكَ وَ صَبْراً عَلَى بَلِيَّتِكَ وَ خُرُوجاً إِلَى رَحْمَتِكَ.

**مستندسازی**

در حدیث فوق, مفهوم "صبر[[57]](#footnote-58) بر آزمایش الهی" به کار رفته است. آیات زیر مستند حدیث فوق هستند:

وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْ‏ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرينَ [[58]](#footnote-59) قطعاً همه شما را با چيزى از ترس، گرسنگى، و كاهش در مالها و جانها و ميوه‏ها، آزمايش مى‏كنيم و بشارت ده به استقامت‏كنندگان!

همچنین آیه ی 31 سوره ی محمد.

كلمه ی "بلاء" و"ابتلاء" به معناى امتحان و آزمايش است.[[59]](#footnote-60) خدا مى‏خواهد انسان را بيازمايد، تا معلوم شود مجاهدين در راه خدا و صابران بر مشقت تكاليف الهى چه كسانى هستند.[[60]](#footnote-61)گاهى كم شدن مال و محصولات يا پيدا شدن خوف و ترس و ساير مشكلات، به خاطر آزمايش الهى است، ولى در بعضى اوقات، انسان‏ها گاهى مرتكب بعضى گناهان مى‏شوند كه خداوند آنها را به برخى گرفتارى‏ها مبتلا مى‏كند.[[61]](#footnote-62) البتّه اين آزمايشها. به مقتضاى حكمت و لطف و مصلحت پروردگار صورت ميگيرد و او پاداشهاى سنگينى كه موجب خشنودى آنان ميشود عنايت مى‏كند.[[62]](#footnote-63)

**گونه شناسی**

در این حدیث, در دعا برای رفع درد و امراض, از عبارت "صَبْراً عَلَى بَلِيَّتِكَ" استفاده شده است. در این حدیث, انسان از خداوند سوال می کند که آیا او را سریع عافیت می بخشد یا اینکه باید بر بلا و رنج و سختی که به او رسیده صبر پیشه کند. بنا بر این از گونه ی "تفسیری- تعلیمی" است.

**5- تنها خداوند است که می تواند درد را از انسان دور کند**

**5-1- خداوند در دفع دردها شریکی ندارد**

**حدیث 6-** عَنْ دَاوُدَ بْنِ زُرْبِيٍّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: تَضَعُ يَدَكَ عَلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي فِيهِ الْوَجَعُ وَ تَقُولُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ- اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي حَقّاً لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً اللَّهُمَّ أَنْتَ لَهَا وَ لِكُلِّ عَظِيمَةٍ فَفَرِّجْهَا عَنِّي.

**آیات مستند**

 قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْها وَ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ [[63]](#footnote-64) بگو: «خداوند شما را از اينها، و از هر مشكل و ناراحتى، نجات مى‏دهد باز هم شما براى او شريك قرار مى‏دهيد!»

** راغب در *مفردات* خود مى‏گويد: "كرب" به معناى اندوه فراوان و شديد است,[[64]](#footnote-65) و" كربة" و"غمة" به يك معنا است،[[65]](#footnote-66) تمامى افراد بشر روزى را دارند كه در آن روز به در خانه خدا التماس نموده و از خدا رفع گرفتارى خود را بخواهند.[[66]](#footnote-67) خداوند براى اشخاص, اسباب نجات و فرج فراهم مى‏كند و آنها را از آن گرفتاريها و شدايد نجات مى‏دهد. اما همين كه احساس راحتى كرديد و خلاص شد، چيزهايى را كه قادر بر نجاتشان نيستند، شريك خدا قرار می دهند.[[67]](#footnote-68)

**گونه شناسی**

با توجه به عبارات "اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي حَقّاً لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً" تنها خداست که می تواند بلاء را از انسان دور کند وتنها خداوند است که غم و اندوه را از انسان می زداید و شریکی در این کار ندارد. پس می توان آن را از نوع "تفسیری- تعلیمی" دانست.

**5-2- برطرف کردن درد را باید تنها از خداوند خواست**

**حدیث 7-** عَنْ مُفَضَّلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ  لِلْأَوْجَاعِ‏ تَقُولُ- بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلَّهِ فِي عِرْقٍ سَاكِنٍ وَ غَيْرِ سَاكِنٍ عَلَى عَبْدٍ شَاكِرٍ وَ غَيْرِ شَاكِرٍ وَ تَأْخُذْ لِحْيَتَكَ بِيَدِكَ الْيُمْنَى بَعْدَ صَلَاةٍ مَفْرُوضَةٍ وَ تَقُولُ- اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي كُرْبَتِي وَ عَجِّلْ عَافِيَتِي وَ اكْشِفْ ضُرِّي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ احْرِصْ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مَعَ دُمُوعٍ وَ بُكَاءٍ.

**آیات مستند**

"کشف" به معنای "برطرف کردن و برداشتن" است.[[68]](#footnote-69) آیه ی مستند, آیه ی زیر است:

إِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلا كاشِفَ لَهُ إِلاَّ هُوَ وَ إِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصيبُ بِهِ مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ[[69]](#footnote-70) و اگر خداوند، (براى امتحان يا كيفر گناه،) زيانى به تو رساند، هيچ كس جز او آن را برطرف نمى‏سازد و اگر اراده ی خيرى براى تو كند، هيچ كس مانع فضل او نخواهد شد! آن را به هر كس از بندگانش بخواهد مى‏رساند و او غفور و رحيم است!

اگر خداوند محنتى از بلاء، يا سختى يا بيمارى براى کسی بياورد هيچكس جز وى قادر بر رفع آن نيست، قدرت بر سود و زيان تنها به دست او است و اگر خيرى براى کسی بخواهد از سلامتى جسم و نعمت و فراخى در زندگى و امثال آن نيز احدى قدرت جلوگيرى و منع آن را ندارد. خير را به هر كه خواهد از بندگان خويش ميرساند و به مقتضاى حكمت و بر طبق مصلحتى كه ميداند به وى عطا ميكند.[[70]](#footnote-71) خواه بنده شاکر باشد یا غیر شاکر**.**

**گونه شناسی**

آیه ی فوق می گوید که خداوند نعمت خود را به هر کدام از بندگان که بخواهد ارزانی می کند که این با عبارت "كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلَّهِ فِي عِرْقٍ سَاكِنٍ وَ غَيْرِ سَاكِنٍ عَلَى عَبْدٍ شَاكِرٍ وَ غَيْرِ شَاكِرٍ" که می گوید نعمتهای خداوند هم بر بنده ی شاکر و هم غیر شاکر رسیده است, همخوانی دارد و بنا به آیه, خداوند غمها و گرفتاریها را از انسان برطرف می سازد و این با حدیث, مطابقت دارد, همچنین حدیث فوق بیان میدارد که دعا با گریه باشد, پس این قسمت در گونه ی "تفسیری- تعلیمی" قرار خواهد گرفت.

**5-3- خداوند با توانایی و قدرتی که دارد درد را از انسان دور می کند**

**حدیث 9-** عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَوْنٍ قَالَ: أَمِرَّ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ الْوَجَعِ ثُمَّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ  وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَجِدُ ثُمَّ تُمِرُّ يَدَكَ الْيُمْنَى وَ تَمْسَحُ مَوْضِعَ الْوَجَعِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

حدیث شماره ی 10 نیز مضمونی مشابه حدیث فوق دارد, لذا با هم بررسی می شوند.

**آیات مستند**

آیه ی زیر, مستند قرآنی دو حدیث فوق می باشد:

وَ لَوْ لا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مالاً وَ وَلَداً [[71]](#footnote-72) چرا هنگامى كه وارد باغت شدى، نگفتى اين نعمتى است كه خدا خواسته است؟! قوّت (و نيرويى) جز از ناحيه خدا نيست! و اگر مى‏بينى من از نظر مال و فرزند از تو كمترم .

جمله ی"لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ" به کار رفته در حدیث , یعنی انحصار هر نيرويى در خداى تعالى را افاده مى‏كند، يعنى مى‏فهماند آنچه نيرو كه مى‏بينيم قائم به مخلوقات خدا است بعينه همان نيرو قائم به خود خداى تعالى است، بدون اينكه از خدا منقطع شده باشد و مخلوق خود، مستقل در آن نيرو باشد[[72]](#footnote-73).

"لاحول و لا قوة الّا باللَّه‏" یعنی ما برابر خدا مالك چيزى نيستيم، و مالك چيزى نمى‏شويم جز آنچه او به ما بخشيده است، پس چون خدا چيزى به ما ببخشد كه خود سزاوارتر است، وظايفى نيز بر عهده ما گذاشته، و چون آن را از ما گرفت تكليف خود را از ما بر داشته است. [[73]](#footnote-74)

**گونه شناسی**

حدیث فوق, اشاره به این دارد که تنها خداوند است که با تواناییش می تواند درد را از انسان دفع کند و هر کسی با وجود توانایی خداوند است که در بدن خود احساس قوت و نیرو می کند . در حدیث, از مضامین مشابه آیه ی 39 سوره کهف,"لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ" استفاده شده است بنابراین می توان آن را از نوع"مستفاد- تعلیمی" دانست.

**5-4- خداوندی که زمامدار همه ی امور است, درد را از انسان می زداید**

**حدیث 12-** عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا  قَالَ:إِذَا دَخَلْتَ عَلَى مَرِيضٍ فَقُلْ أُعِيذُكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَفَّارٍ وَ مِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ سَبْعَ مَرَّاتٍ.

**آیات مستند**

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ[[74]](#footnote-75) اگر آنها (از حق) روى بگردانند، بگو: «خداوند مرا كفايت مى‏كند هيچ معبودى جز او نيست بر او توكّل كردم و او صاحب عرش بزرگ است!»

همچنین آیات 26 سوره ی نمل, 86 مومنون,.116 مومنون و 150 سوره ی بروج.

منظور از"عرش[[75]](#footnote-76)", آن مقامى است كه زمام تمامى امور عوالم در آنجا جمع است، و هر تدبيرى از آنجا صادر مى‏شود،[[76]](#footnote-77)عرش تخت شاهى است كه خدا به آن عظمت بخشيده و بر فراز آسمانهاى هفتگانه قرار داده و فرشتگان را در پيرامون آن گماشته و اعمال مردم به عرش برده ميشود و بركات از ناحيه آن نازل مى‏شود.[[77]](#footnote-78)

«وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» و او پروردگار عرش بزرگ است. و اينكه نام عرش را بالخصوص ذكر فرمود بخاطر بزرگداشت آن و به جهت آنست كه وقتى خداوند پروردگار عرش با آن عظمت باشد پروردگار چيزهاى كوچكتر از آن نيز خواهد بود.[[78]](#footnote-79)

**گونه شناسی**

در این حدیث, عظمت پروردگار مورد توجه قرار گرفته است و زمام تمامی امور به دست خداست. گفته شده که پروردگار عرش بزرگ است یعنی وقتى خداوند پروردگار عرش با آن عظمت باشد پروردگار چيزهاى كوچكتر از آن نيز خواهد بود بنابراین درمان درد و مداوای بیمار از هرگونه درد و سوزش, تنها به دست خداوند است .پس از گونه ی "تفسیری- تعلیمی"می باشد

**6- از شر ّبدی ها و گرفتاریها باید تنها به خداوند پناه و شکایت برد**

**1-6- از شر دردها باید تنها به خداوند پناه برد**

**حدیث 8-** عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِفَشَكَوْتُ إِلَيْهِ وَجَعاً بِي فَقَالَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ ثُمَّ امْسَحْ يَدَكَ عَلَيْهِ وَ قُلْ أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي تَقُولُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ قَالَ فَفَعَلْتُ فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَا الْوَجَعَ عَنِّي.

حدیث شماره ی 13نیز مضمونی مشابه حدیث فوق دارد, لذا با هم بررسی می شوند.

**مستندسازی**

واژه ی "شکو[[79]](#footnote-80)" به معنی اظهار اندوه و در ميان نهادن آن با ديگرى است،[[80]](#footnote-81) مستند حدیث, آیه ی زیر است:

قالَ إِنَّما أَشْكُوا بَثِّي وَ حُزْني‏ إِلَى اللَّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ ما لا تَعْلَمُون[[81]](#footnote-82) گفت: من غم و اندوهم را تنها به خدا مى‏گويم (و شكايت نزد او مى‏برم)! و از خدا چيزهايى مى‏دانم كه شما نمى‏دانيد!

طبع آدمى چنين است كه وقتى شرّى به او متوجه مى‏شود و جان او را تهديد مى‏كند، و در خود نيروى دفع آن را نمى‏بيند به كسى پناهنده مى‏شود كه نيروى دفع آن را دارد، تا او وى را در رفع آن شر كفايت كند.[[82]](#footnote-83)

در *جوامع الجامع* زیر آیه ی فوق آمده است:

«به هيچ كس جز به خدا شكوه نمى‏كنم، و از كار خدا و رحمت او، چيزى مى‏دانم كه شما نمى‏دانيد و خوب مى‏دانم كه او از جايى كه هيچ گمان ندارم برايم گشايش مى‏آورد»[[83]](#footnote-84).

**گونه شناسی**

در این احادیث, از شکایت کردن به خداوند در گرفتاریها و دردها سخن گفته شده است و مضامین آیه ی فوق را در خود جای داده است, بنابراین می توان آن را از نوع"تفسیری- تعلیمی" دانست.

**2-6- خداوند به کسی که به او از درد شکایت برد, رحم می کند**

**حدیث 19-** عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: عَرَضَ بِي وَجَعٌ فِي رُكْبَتِي فَشَكَوْتُ ذَلِكَ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ فَقَالَ إِذَا أَنْتَ صَلَّيْتَ فَقُلْ- يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى وَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ ارْحَمْ ضَعْفِي وَ قِلَّةَ حِيلَتِي وَ عَافِنِي مِنْ وَجَعِي قَالَ فَفَعَلْتُهُ فَعُوفِيتُ.

**مستندسازی**

وَ أَيُّوبَ إِذْ نادى‏ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمينَ[[84]](#footnote-85) و ايّوب را (به ياد آور) هنگامى كه پروردگارش را خواند: «بد حالى و مشكلات به من روى آورده و تو مهربانترين مهربانانى!»

خداى سبحان كه ارحم الراحمين است، و در جايى كه بايد رحم كند از رحمتش دريغ نمى‏دارد، او بر عاجز و ضعيفى كه امر خود را به او واگذار نموده و بر او توكل جسته ترحم مى‏كند، وكسى كه بر خدا توكل كند خدا او را بس است.[[85]](#footnote-86)

معناى «ضر» به ضمّ ضرر جانى، از قبيل بيمارى و لاغرى، و به فتح, زيان در همه امور است.[[86]](#footnote-87) ايوب گرفتار بسيارى از ناراحتيها شد. ايوب همانند ساير پيامبران به هنگام دعا براى رفع اين مشكلات طاقت‏فرسا نهايت ادب را در پيشگاه خدا به كار مى‏برد، حتى تعبيرى كه بوى شكايت بدهد نمى‏كند، تنها مى‏گويد: من گرفتار مشكلاتى شده‏ام و تو ارحم الراحمين هستى، حتى نمى‏گويد مشكلم را برطرف فرما زيرا مى‏داند او بزرگ است و رسم بزرگى را مى‏داند.[[87]](#footnote-88)

**گونه شناسی**

در این حدیث, مهربانی و بخشندگی خداوند آمده است و اینکه خداوند بهترین و مهربان ترین مهربانان است, پس خداوند است که می تواند برانسان رحم کند و به او قدرت و توانایی بخشد و درد او را درمان کند. پس باید این حدیث را از نوع مستفاد دانست.

**7- خداوند اگر بخواهد می تواند انسان را از حالی به حال دیگر دگرگون کند**

**حدیث 11-** عَنْ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى عَنْ عَمِّهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ عَلِّمْنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ لِوَجَعٍ أَصَابَنِي قَالَ قُلْ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ- يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَ إِلَهَ الْآلِهَةِ وَ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ وَ يَا سَيِّدَ السَّادَةِ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ فَإِنِّي عَبْدُكَ أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ.

**آیات مستند**

کلیدواژه ی حدیث فوق, کلمه ی "قلب" است به معنای بر گرداندن[[88]](#footnote-89). آیه ی مستند, آیه ی زیر است:

أَوْ يَأْخُذَهُمْ في‏ تَقَلُّبِهِمْ فَما هُمْ بِمُعْجِزين [[89]](#footnote-90) يا به هنگامى در رفت و آمدند، دامانشان را بگيرد در حالى كه قادر به فرار نيستند؟! .

همچنین آیه ی 21 سوره ی عنکبوت.

در *تفسیر نمونه* زیر آیه ی 21 سوره ی عنکبوت آمده است:

«چون بازگشت همه شما به سوى او است و حساب و كتابتان نزد او، پس عذاب و رحمت نيز در اختيار او و با اراده او است.اين معنى نيز بعيد نيست كه عذاب و رحمت در اين آيه مفهوم وسيعى داشته باشد كه عذاب و رحمت دنيا و آخرت را شامل شود.»

همچنین در *تفسیرالمیزان* زیر آیه ی 46 سوره نحل آمده است :

«كلمه ی "تقلب" به معناى حالى بحالى شدن است، و مراد، تحول مشركين در مقاصد و اعمال زشتشان و انتقال از نعمتى به نعمت ديگر از نعمت‏هاى مادى است »[[90]](#footnote-91).

پس، مراد از اخذ ايشان در تقلبشان اين شد كه خدا (و يا عذاب) ايشان را در عين سرگرمى و تقلب در گناهان و مكر با خدا و رسول بگيرد، و ممكن هم هست كه معنا اين باشد كه خدا ايشان را با خود همان نعمتهايى كه در آن غوطه مى‏خورند عذابشان كند، يعنى نعمت آنان را بر ايشان نقمت سازد.[[91]](#footnote-92)

**گونه شناسی**

عذاب و رحمت انسان در اختيار خداوند و با اراده او است. خداوند اگر بخواهد می تواند حال انسان را از شکلی به شکل دیگر دگرگون سازد, از عذاب به رحمت و یا برعکس و خداوند اگر اراده کند می تواند مشرکین را در همان هنگام که غوطه ور در نعمات مادی هستند, با ابتلای آنها به انواع بلاها و بیماریهاو... عذابشان کند و دگرگونشان سازد. این آموزه ی قرآنی در حدیث استفاده شده است, پس این حدیث از نوع مستفاد می باشد.

**8- یاد خداوند آرامش دهنده است**

**حدیث 17-** عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‏ أَنَّ النَّبِيَّ كَانَ يُنَشِّرُ بِهَذَا الدُّعَاءِ تَضَعُ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ‏ الْوَجَعِ وَ تَقُولُ أَيُّهَا الْوَجَعُ اسْكُنْ بِسَكِينَةِ اللَّهِ وَ قِرْ بِوَقَارِ اللَّهِ وَ انْحَجِزْ بِحَاجِزِ اللَّهِ وَ اهْدَأْ بِهَدْءِ اللَّهِ‏ أُعِيذُكَ أَيُّهَا الْإِنْسَانُ بِمَا أَعَاذَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ عَرْشَهُ وَ مَلَائِكَتَهُ- يَوْمَ الرَّجْفَةِ وَ الزَّلَازِلِ‏ تَقُولُ ذَلِكَ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ لَا أَقَلَّ مِنَ الثَّلَاثِ.

**مستند سازی:**

واژه ی "سکینه" کلیدواژه ی حدیث فوق است.واژه ی "السَّكَن‏" یعنی آرامش يافتن و" السِّكِّينَة" یعنی وقار و آرامش‏.[[92]](#footnote-93)

آیه ی زیر مستند حدیث می شود:

هُوَ الَّذي أَنْزَلَ السَّكينَةَ في‏ قُلُوبِ الْمُؤْمِنينَ لِيَزْدادُوا إيماناً مَعَ إيمانِهِمْ وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ كانَ اللَّهُ عَليماً حَكيماً[[93]](#footnote-94) او كسى است كه آرامش را در دلهاى مؤمنان نازل كرد تا ايمانى بر ايمانشان بيفزايند لشكريان آسمانها و زمين از آن خداست، و خداوند دانا و حكيم است.

ظاهرا مراد از"سكينت" آرامش و سكون نفس و ثبات و اطمينان آن به عقائدى است كه به آن ايمان آورده است. مراد از"انزال سكينت در قلوب مؤمنين" ايجاد آن است بعد از آنكه فاقد آن بودند. و مراد از اينكه فرمود: تا ايمان خود را زياد كنند، شدت يافتن ايمان به چيزى است، چون ايمان به هر چيز عبارت است از علم به آن به اضافه التزام به آن، به طورى كه آثارش در عملش ظاهر شود. و اين سكينه عبارت است از آنكه خداوند در باره آنان لطفى نمايد و در اثر آن چنان بصيرتى به حق پيدا كنند كه روحشان آرامش يابد و اين نعمت مخصوص مؤمنين است.[[94]](#footnote-95)

**گونه شناسی**

خداوند آرامش و قوت قلب را بر دلهاى مؤمنين نازل كرد و این آرامش, رحمت یا وقار و عصمتی است که بر مومنان نازل می شود و این آرامش و سكون نفس و ثبات و اطمينان به عقائدى است كه به آن ايمان آورده است .چون ایمان و آرامشی که در قلبهای مومنان ایجاد می شود, آثارش درظاهر شخص دیده خواهد شد, در نتیجه دردهای جسمانی نیز با این ایمان و سکینه ای که از آرامش خداوند وام گرفته شده است, بهبود خواهد یافت.

در این حدیث, از آموزه ی قرآنی در جهت تاثیر برای معالجه ی امراض به کار گرفته شده است. پس این حدیث را می توان از نوع مستفاد دانست و در قسمت "تَضَعُ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ‏ الْوَجَعِ" می تواند از نوع تعلیمی باشد.

**9- قرآن موجب شفای دل و روح است**

**حدیث 18-** عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‏ قَالَ: تَضَعُ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ الْوَجَعِ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ الَّذِي‏ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ‏ وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ أَنْ تَشْفِيَنِي بِشِفَائِكَ وَ تُدَاوِيَنِي بِدَوَائِكَ وَ تُعَافِيَنِي مِنْ بَلَائِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

بدون شك بيماريهاى روحى و اخلاقى انسان، شباهت زيادى با بيماريهاى جسمى او دارد، هر دو نياز به طبيب و درمان و پرهيز دارد، قرآن نسخه حياتبخشى است براى آنها كه مى‏خواهند با جهل و كبر و غرور و حسد و نفاق به مبارزه برخيزند. قرآن نسخه شفابخشى است براى بر طرف ساختن ضعفها و زبونى‏ها و ترسهاى بى دليل. اختلافها و پراكندگيها. ، وابستگى به ماديات و تسليم بى قيد و شرط در برابر شهوتها.[[95]](#footnote-96)

**مستندسازی**

وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنينَ وَ لا يَزيدُ الظَّالِمينَ إِلاَّ خَساراً [[96]](#footnote-97) و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است براى مؤمنان، نازل مى‏كنيم و ستمگران را جز خسران (و زيان) نمى‏افزايد.

و آیه ی 57 سوره ی یونس.

رحمت براى مؤمنين ‏است و تنها مؤمنين را غرق در انواع خيرات و بركات مى‏كند، واین خیر و برکات در قرآن نهفته است.[[97]](#footnote-98) همانطور كه اختلال در نظام جسمى انسان باعث مى‏شود كه دچار مرضهايى جسمى گردد اختلال در نظام روح او باعث مى‏شود به مرضهاى روحى مبتلا شود،[[98]](#footnote-99) خداى تعالى در اين آيه قرآن كريم را به چهار صفت توصيف فرموده: موعظة، و شفاى دردهايى كه در سينه‏ها است، و هدايت، و رحمت.[[99]](#footnote-100)

اين خود قرآن است كه چنين آثار و بركاتى دارد، نه اينكه به وسيله چيز ديگرى اين آثار را داشته باشد، چون قرآن سبب متصلى است بين خدا و خلقش، پس خود او است كه براى مؤمنين شفاء و رحمت و هدايت است.[[100]](#footnote-101)

**گونه شناسی**

قرآن شفادهنده ی دردهای روحی و معنوی می باشد, بیماری های روحی و افسردگی هم از نظر پزشکی ثابت شده است که باعث بیماری های جسمی می شوند.[[101]](#footnote-102) در حدیث, قرآن, واسطه شده است برای اینکه از خداوند طلب شفاء شود. بنابراین این حدیث نیز از نوع "تفسیری- تعلیمی" است.

**4- نتیجه گیری**

انسان می تواند از اسباب معنوی برای درمان بهره مند شود، دعا مهم ترین ابزاری است که در اختیار انسان برای شفابخشی است**.**

از احادیث این باب , چنین حاصل می شود که خداوند دعای درمانده را اجابت می کند و تنها خداست که ضرر و زیان را دور می کند و درمان و شفاء تنها از خداست. خداوند که زمامدار همه ی امور است با توانایی و قدرتش درد را از انسان دور می کند. یاد خداوند آرامش دهنده است و انسان باید در رنج و سختی صبور باشد.همچنین قرآن موجب شفای دل و روح است .

با توجه به تحقیق انجام شده می توان نتیجه گرفت که هر 19 حدیث باب دارای مستندات قرآنی می باشند که بعضی از احادیث دارای چند مستند هستند . در قسمت گونه شناسی نیز نتیجه می شود که احادیث این باب دارای گونه های مختلف تفسیری هستند که 14 حدیث از نوع تفسیری و 5 حدیث از نوع مستفاد می باشند.

احادیثی که چگونگی دعا را بیان می کنند اعم از زمان و مکان و... در این مقاله, گونه ی "تعلیمی" نام گرفتند.

**فهرست منابع**

1. قرآن مجید, ترجمه ی ناصر مکارم شیرازی, قم, دارالقرآن الکریم, 1373 ش.

2. بستانى، فؤاد افرام، *فرهنگ ابجدى*،, تهران, انتشارات اسلامي , دوم, 1375ش.

3. ديلمى، حسن بن محمد, *إرشاد القلوب*, علی سلگى نهاوندى, ناصر, قم, 2 جلد.

4. راد, علی, «گونه شناسی احادیث تفسیری؛ از نظریه تا تطبیق», تفسیر اهل بیت, سال دوم, شماره اول, بهار و تابستان 1393.

5. راغب اصفهانی, حسین بن محمد, *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ القرآن الکریم*, تهران, مرتضوی , دوم, 1374 ش, 4 جلد.

6. سجاد, سیدحمید, [بیماری های جسمی به علت فشار روانی](http://forum.iransalamat.com/%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%AA-%D8%B1%D9%88%D8%A7%D9%86%DB%8C-983/%D8%A8%DB%8C%D9%85%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%AC%D8%B3%D9%85%DB%8C-%D8%A8%D9%87-%D8%B9%D9%84%D8%AA-%D9%81%D8%B4%D8%A7%D8%B1-%D8%B1%D9%88%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87-%D9%88-%D8%AE%D8%A8%D8%B1-1206/), شهریور 94, forum.iransalamat.com

7 . شریف الرضی, محمدبن حسین, *نهج البلاغه*, محمد دشتی, قم, مشهور, اول, 1379ش.

8.طباطبایی, سیدمحمدحسین, تفسیر المیزان, سیدمحمدباقر موسوی همدانی, دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم, قم, 1374 ش.

9.طبرسی, فضل بن حسن, *تفسیر جوامع الجامع*, مترجمان, مشهد, بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی, دوم, 1377 ش.

10. طبرسی, فضل بن حسن, *تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن*,مترجمان, تهران, فراهانی, اول, 1360

11. علی اسلام, مریم, دعا درمانی برای مقابله با بیماری ها, ماهنامه ی دنیای سلامت, تیر94,zn.ir [www.tebyan-](http://www.tebyan-)

12. فجري, محمدمهدي,«سیمای بیماری در اسلام», ماهنامه اطلاع رسانی پژوهشی آموزشی مبلغان شماره,124و125.

13. فروزنده دهکردی, لطف الله؛ جوکار, علی اکبر, *مدیریت اسلامی و الگوهای آن*,تهران, دانشگاه پیام نور1386.

14. فیوی, احمدبن محمد, *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*, قم, موسسه دارالحجر, 2 جلد.

15. قرائتی, محسن,*تفسیر نور*, تهران, مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن , یازدهم, 1383, 12 جلد.

16. قرشی, سید علی اکبر, *قاموس قرآن*, تهران, دارالکتب الاسلامیه, ششم, 1371, 7 جلد.

17.کلینی, محمدبن یعقوب بن اسحاق, *الکافی(ط- الاسلامیه),* تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی, تهران, دارالکتب الاسلامیه, 1407 ق, 8 جلد.

18. كلينى، محمد بن يعقوب، *أصول الكافي* ,سید جواد مصطفوى، تهران، ، كتاب فروشى علميه اسلاميه, 1369, 4جلد.

19. مازندرانی, محمدبن صالح بن احمد, *شرح الکافی- الاصول و الروضه*, ابوالحسن شعرانی, تهران, الکتب الاسلامیه,1382 ق, 12 جلد.

20. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى*، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول*، تهران، دار الكتب الإسلامية ، دوم, 1404 ق, 26 جلد.

21. مصطفوی, حسن, *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*, تهران, وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی, 1368, 14 جلد.

22. مکارم شیرازی, ناصر, *تفسیر نمونه*, تهران, دارالکتب الاسلامیه, اول, 1374 ش, 27 جلد.

23.مؤدب, سید رضا, *مبانی تفسیر قرآن*, دانشگاه قم, دوم, 1390.

24. مهریزی, مهدی, «روایات تفسیری شیعه, گونه شناسی و حجیت», علوم حدیث, سال پانزدهم, شماره اول.

**سایت**

[https://fa.wikipedia.org](https://fa.wikipedia.org/wiki/کتاب)

1. .مؤدب, سید رضا, *مبانی تفسیر قرآن*, دانشگاه قم, 1390. [↑](#footnote-ref-2)
2. .فروزنده دهکردی, لطف الله؛ جوکار, علی اکبر, *مدیریت اسلامی و الگوهای آن*,تهران, دانشگاه پیام نور, 1386. [↑](#footnote-ref-3)
3. . اثر [ثقةالاسلام کلینی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AB%D9%82%D8%A9%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85_%DA%A9%D9%84%DB%8C%D9%86%DB%8C) درگذشتهٔ [۳۲۹](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%B3%DB%B2%DB%B9_%28%D9%82%D9%85%D8%B1%DB%8C%29) است. [↑](#footnote-ref-4)
4. . [https://fa.wikipedia.org/wikiکتاب](https://fa.wikipedia.org/wiki/کتاب) کافی/ [↑](#footnote-ref-5)
5. . برازش, علیرضا, *دعا از منظر حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای*, مركز نشر انقلاب اسلامی,1390. [↑](#footnote-ref-6)
6. . محمدی, غلامرضا, «دعا و ذکر در درمان و پيشگيري», نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری , دانشگاه علوم پزشگی تهران. [↑](#footnote-ref-7)
7. . مهریزی, مهدی, «روایات تفسیری شیعه, گونه شناسی و حجیت», *علوم حدیث*, شماره اول, سال پانزدهم. [↑](#footnote-ref-8)
8. .كلينى, محمدبن یعقوب, *الکافی(ط- الاسلامیه)*؛ تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی, تهران, دارالکتب الاسلامیه, 1407 ق؛ ج 1, ص89. [↑](#footnote-ref-9)
9. . راد, علی, «گونه شناسی احادیث تفسیری؛ از نظریه تا تطبیق», *تفسیر اهل بیت*, شماره اول, سال دوم, بهار و تابستان 1393. [↑](#footnote-ref-10)
10. . مهریزی, مهدی, «روایات تفسیری شیعه, گونه شناسی و حجیت», پیشین. [↑](#footnote-ref-11)
11. . راد, علی, «گونه شناسی احادیث تفسیری؛ از نظریه تا تطبیق», پیشین. [↑](#footnote-ref-12)
12. . قرشی, سید علی اکبر, *قاموس قرآن*, تهران, ششم, دارالکتب الاسلامیه, 1371؛ ذیل "دعا ". [↑](#footnote-ref-13)
13. . غافر/60. [↑](#footnote-ref-14)
14. . ندا, تسميه, درخواست مادي يا معنوي, فرياد خواهي و کمک طلبيدن و همچنین تشويق کردن به کاري براي رسيدن به هدف مورد نظر از آن کار.(راغب اصفهانى، حسين بن محمد، *ترجمه و تحقيق مفردات الفاظ قرآن*، ترجمه ی مرتضوي ,تهران، 1374ش ؛ذیل"دعاء"). [↑](#footnote-ref-15)
15. .طباطبایی, سید محمد حسین, *ترجمه تفسیر المیزان*, سید محمد باقرموسوی همدانی, , قم, دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم, 1374 ؛ جلد 2. ص 53. [↑](#footnote-ref-16)
16. . طبرسی, فضل بن محمد,*تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن*, مترجمان, تهران, فراهانی, 1360؛ جلد 8 ص 528. [↑](#footnote-ref-17)
17. . کلینی, محمدبن یعقوب, *پیشین,* ج 2, ص 466 ,حدیث 2. [↑](#footnote-ref-18)
18. . ديلمى، حسن بن محمد, *إرشاد القلوب,*ترجمه ی علی سلگی نهاوندی, قم, ناصر؛ ص 401 - 403. [↑](#footnote-ref-19)
19. . همان. [↑](#footnote-ref-20)
20. . همان. [↑](#footnote-ref-21)
21. . كلينى، محمد بن يعقوب، *أصول الكافي*,ترجمه ی سید جواد مصطفوی ،تهران, انتشارات علمیه اسلامیه؛ ج‏4، ص 244. [↑](#footnote-ref-22)
22. . ديلمى، حسن بن محمد، پیشین ، ج‏1، ص 405. [↑](#footnote-ref-23)
23. . فيومى، أحمد بن محمد, *المصباح المنير في غريب الشرح الكبير*, قم, موسسه دار الهجرة ؛ ج‏2 , ص426. [↑](#footnote-ref-24)
24. . فجري , محمدمهدي, «سیمای بیماری در اسلام», ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی مبلغان ,شماره124و125. [↑](#footnote-ref-25)
25. . همان. [↑](#footnote-ref-26)
26. . علی اسلام, مریم, «دعا درمانی برای مقابله با بیماری ها», ماهنامه ی دنیای سلامت,zn.ir- www.tebyan [↑](#footnote-ref-27)
27. . مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، *مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول*، تهران، دار الكتب الإسلامية , 1404 ق؛ ج 12,ص 429 – 435. [↑](#footnote-ref-28)
28. . اسراء/56. [↑](#footnote-ref-29)
29. . قرشى بنايى، على اكبر، پیشین, ذیل "ضر". [↑](#footnote-ref-30)
30. . همان, ص 177. [↑](#footnote-ref-31)
31. . اسراء/ 56. [↑](#footnote-ref-32)
32. . طبرسی, فضل بن محمد, تفسیر*جوامع الجامع*، مترجمان , مشهد, بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی, دوم, 1377 ش؛ ج‏2، ص164. [↑](#footnote-ref-33)
33. . طباطبایی, سید محمد حسین, پیشین، ج‏7، ص 45. [↑](#footnote-ref-34)
34. . یونس/20. [↑](#footnote-ref-35)
35. .."ذهب", فعل بردن و رفتن در اجسام و در معانى هر دو بكار مى‏رود.( راغب اصفهانى، حسين بن محمد، *پیشین,* ذیل "ذهب"). [↑](#footnote-ref-36)
36. . فاطر/34. [↑](#footnote-ref-37)
37. . مکارم شیرازی, ناصر, *تفسیر نمونه*, تهران, اول, دارالکتب الاسلامیه, 1374 ش ؛ج‏18، ص 270. [↑](#footnote-ref-38)
38. . همان. [↑](#footnote-ref-39)
39. . نگارنده گونه ی جدیدی را در این مقاله آورده است: احادیثی که چگونگی و آموزش دعا را بیان می کنند اعم از زمان و مکان و... گونه ی "تعلیمی" نامگذاری شده اند. [↑](#footnote-ref-40)
40. . به معنى در مانده و ناچار است.( قرشی, سید علی اکبر, پیشین,ذیل" مضطر".) [↑](#footnote-ref-41)
41. . نمل/ 62. [↑](#footnote-ref-42)
42. . طبرسی, فضل بن حسن, *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*, پیشین؛ ج‏18 ,ص 132. [↑](#footnote-ref-43)
43. . طباطبایی, سید محمد حسین، پیشین, ج‏15 ,ص 549. [↑](#footnote-ref-44)
44. . شعراء/80. [↑](#footnote-ref-45)
45. . طباطبایی, سید محمد حسین، پیشین ج‏14, ص154. [↑](#footnote-ref-46)
46. . "شفاء" از ریشه ی "شفی", به كسر (ش) بمعنى صحّت و سلامت است.( قرشی, سید علی اکبر، پیشین, ذیل "شفاء"). [↑](#footnote-ref-47)
47. . طبرسی, فضل بن حسن, *ترجمه مجمع البيان في تفسير القرآن*، ج‏,11ص 315. [↑](#footnote-ref-48)
48. . همان, ج‏4، ص 412. [↑](#footnote-ref-49)
49. . طباطبایی, سید محمد حسین،, پیشین، ج‏15, ص 397. [↑](#footnote-ref-50)
50. . مازندرانی, محمدبن صالح بن احمد, *شرح الکافی- الاصول و الروضه*, ابوالحسن شعرانی, تهران, الکتب الاسلامیه,1382 ق؛ ج‏10 ,ص 363, حدیث شماره ی 15. [↑](#footnote-ref-51)
51. . مصطفوی,حسن, *التحقيق في كلمات القرآن الكريم*،تهران, وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی1368؛ ذیل" ابتلاء". [↑](#footnote-ref-52)
52. . انعام/165. [↑](#footnote-ref-53)
53. . طبرسی, فضل بن حسن, *تفسیرجوامع الجامع*، پیشین, ج‏6، ص 633. [↑](#footnote-ref-54)
54. . قرشی, سید علی اکبر,پیشین، ذیل" رزق". [↑](#footnote-ref-55)
55. . طبرسی, فضل بن حسن, *تفسیر مجمع البيان في تفسير القرآن،* پیشین, ج‏2، ص 127. [↑](#footnote-ref-56)
56. . همان ، ج‏9، ص39 و 40. [↑](#footnote-ref-57)
57. . واژه ی "صبر" یعنی خويشتن دارى در سختى و تنگى(راغب اصفهانى، حسين بن محمد، پیشین,ذیل"صبر".) [↑](#footnote-ref-58)
58. . بقره/155. [↑](#footnote-ref-59)
59. . طباطبایی, سید محمد حسین، پیشین, ج‏18، ص366. [↑](#footnote-ref-60)
60. . همان. [↑](#footnote-ref-61)
61. . قرائتی, محسن,تفسیر نور, تهران, مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن, یازدهم, 1383؛ ج‏1، ص 24. [↑](#footnote-ref-62)
62. . طبرسی, فضل بن حسن, تفسیر مجمع البيان في تفسير القرآن،پیشین, ج‏2، ص 127. [↑](#footnote-ref-63)
63. . انعام/64. [↑](#footnote-ref-64)
64. . طباطبایی, سید محمد حسین, ,پیشین ، ج‏7، ص 191. [↑](#footnote-ref-65)
65. . همان. [↑](#footnote-ref-66)
66. . همان. [↑](#footnote-ref-67)
67. . طبرسی, فضل بن حسن, تفسیر *مجمع البيان في تفسير القرآن*,پیشین, ج8, ص 129. [↑](#footnote-ref-68)
68. . راغب اصفهانی,حسین بن محمد,پیشین, ج‏4 , ص31. [↑](#footnote-ref-69)
69. . یونس/107. [↑](#footnote-ref-70)
70. . طبرسی, فضل بن حسن, تفسیر *مجمع البيان في تفسير القرآن*، پیشین,ج‏11، ص 376. [↑](#footnote-ref-71)
71. .کهف/39. [↑](#footnote-ref-72)
72. . طباطبایی, سید محمد حسین,پیشین، ج‏13، ص 437. [↑](#footnote-ref-73)
73. . شريف الرضى، محمد بن حسين، *نهج البلاغة* ,ترجمه دشتى، قم, مشهور, 1379ش؛ ص727**.** [↑](#footnote-ref-74)
74. . توبه/129. [↑](#footnote-ref-75)
75. .عرش از نظر لغوی به معنی "حکومت" می باشد.( قرشی, سید علی اکبر,پیشین, ذیل"عرش".) [↑](#footnote-ref-76)
76. . طباطبایی, سید محمد حسین,پیشین، ج‏15، ص 80 . [↑](#footnote-ref-77)
77. . طبرسی, فضل بن حسن, *تفسیر مجمع البيان في تفسير القرآن*، ج‏18، ص100. [↑](#footnote-ref-78)
78. . همان، ج‏11، ص249. [↑](#footnote-ref-79)
79. . توصيف گرفتارى(قرشی, سید علی اکبر,پیشین، ذیل "شکو".) [↑](#footnote-ref-80)
80. . راغب اصفهانى، حسين بن محمد، پیشین.ذیل "شکو". [↑](#footnote-ref-81)
81. . یوسف/86. [↑](#footnote-ref-82)
82. . طباطبایی, سید محمد حسین, پیشین, ج‏20، ص 688. [↑](#footnote-ref-83)
83. . طبرسی, فضل بن حسن *تفسیر جوامع الجامع*، پیشین,ج‏3، ص 242. [↑](#footnote-ref-84)
84. . انبیاء/83. [↑](#footnote-ref-85)
85. . طباطبایی, سید محمد حسین، ج‏11، ص293. [↑](#footnote-ref-86)
86. . طبرسی, فضل بن حسن *,تفسیر جوامع الجامع*،پیشین, ج‏4، ص168و 167. [↑](#footnote-ref-87)
87. . مکارم شیرازی, ناصر,پیشین، ج‏13، ص478. [↑](#footnote-ref-88)
88. . راغب گويد: قلب شى‏ء گرداندن و گرديدن آنست از وجهى به وجهى(قرشی, سید علی اکبر,پیشین, ذیل"قلب") [↑](#footnote-ref-89)
89. . نحل/46. [↑](#footnote-ref-90)
90. . طباطبایی, سید محمد حسین, ج‏12، ص382. [↑](#footnote-ref-91)
91. . همان. [↑](#footnote-ref-92)
92. . بستانى، فؤاد افرام، *فرهنگ ابجدى*، تهران, انتشارات اسلامي , دوم، 1375ش؛ ص 492. [↑](#footnote-ref-93)
93. .فتح/4. [↑](#footnote-ref-94)
94. . طبرسی, فضل بن حسن, تفسیر *مجمع البيان في تفسير القرآن*،پیشین, ج‏23، ص111. [↑](#footnote-ref-95)
95. . مکارم شیرازی, ناصر,پیشین، ج‏12، ص 239و 238. [↑](#footnote-ref-96)
96. . اسراء/82. [↑](#footnote-ref-97)
97. طباطبایی, سید محمد حسین, پیشین، ج‏10، ص 118. [↑](#footnote-ref-98)
98. . همان، ج‏13، ص251. [↑](#footnote-ref-99)
99. . طبرسی, فضل بن حسن, *تفسیر مجمع البيان في تفسير القرآن*، پیشین,ج‏11، ص 315. [↑](#footnote-ref-100)
100. . طباطبایی, سید محمد حسین, پیشین ، ج‏10، ص 119 . [↑](#footnote-ref-101)
101. **.** http://forum.iransalamat.com سجاد,سیدحمید, «[بیماری های جسمی به علت فشار روانی](http://forum.iransalamat.com/%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%AA-%D8%B1%D9%88%D8%A7%D9%86%DB%8C-983/%D8%A8%DB%8C%D9%85%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%AC%D8%B3%D9%85%DB%8C-%D8%A8%D9%87-%D8%B9%D9%84%D8%AA-%D9%81%D8%B4%D8%A7%D8%B1-%D8%B1%D9%88%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87-%D9%88-%D8%AE%D8%A8%D8%B1-1206/)», [↑](#footnote-ref-102)